

اهمیت انضباط و راه‌های پیش‌گیری از بی‌انضباطی کودکان

نامدار شاهمرادی

جامعه نیز وقتی سلامتی خود را حفظ می‌کند که افراد آن حق و حقوق خود و دیگران را بشناسند و رعایت کنند. پس هدف از انضباط این است که فرد را قادر به سازش با قوانین و مقرراتی کند که فرهنگ یک گروه پذیرفته است، به طوری که رفتار خود را با توقعات و خواست‌های سالم گروه اجتماعی که در آن زندگی می‌کند هم آهنگ نماید. لذا رعایت مقررات نه تنها برای حفظ آداب و رسوم مهم است بلکه برای شادی، سازگاری و آرامش خود فرد نیز اهمیت دارد. هر فردی برای این که نیازها و آرزوهایش را با دیگران مطابقت دهد و مورد قبول و احترام آنها واقع شود نیاز به انضباط و قوانین رفتاری دارد^(مارتین، ۱۹۷۰).

پس به طور خلاصه می‌توان گفت اهمیت انضباط به این سبب است که نتایج ذیل را به دنبال دارد: سلامت جامعه، شادی و نشاط فرد، سازش فردی و اجتماعی، احساس امنیت، اعتماد به نفس، جلب محبت دیگران و صرفه‌جویی در وقت. به تعبیر دیگر انضباط سبب

موضوع انضباط امروزه به عنوان یکی از مهم‌ترین مشکلات موجود در جوامع خودنمایی می‌کند. یکی از علل نارضایتی و بازنشستگی زودرس معلمان و افراد پلیس و هم چنین اختلافات و نزاع‌های خانوادگی، بی‌انضباطی افراد است (لفرانکوویس، ۱۹۸۰).

یکی از اهداف تعلیم و تربیت، کمک به افراد در زمینه زندگی با دیگران و احترام گذاشتن به آنهاست. بنابراین برای این که فرد بتواند در اجتماع زندگی کند باید رفتار اجتماعی را بیاموزد؛ به این معنی که رفتار او باید مورد قبول اجتماع باشد. یکی از راه‌های اجتماعی شدن و مورد قبول قرار گرفتن، رعایت انضباط و مقرراتی است که در اجتماع حکمفرماست.

همان گونه که می‌دانیم در پزشکی پیش‌گیری خیلی با ارزش‌تر از درمان است. در مسائل انضباطی نیز این اصل حاکم است، یعنی پیش‌گیری بسیار ارزشمندتر از اصلاح می‌باشد. البته راه‌های اصلاح بی‌انضباطی، نیاز به بحث جداگانه‌ای دارد. اما مقصود ما از بیان مطلب فوق این بود که رعایت اصول انضباطی را باید از همان اوان کودکی به بچه‌ها یاد داد، چرا که در بررسی تاریخچه زندگی افراد بزهکار دیده شده است که این افراد در سن کودکی و نوجوانی هم معمولاً افرادی بی‌انضباط و لاقید بوده‌اند. عکس قضیه هم صادق است، یعنی وقتی تاریخچه زندگی و سوابق افراد صاحب نام را بررسی کرده‌اند دریافته‌اند که این افراد در سن کودکی و نوجوانی هم معمولاً افرادی منضبط بوده‌اند (البته استثناء در امور انسانی امری طبیعی است). دلیل امر فوق این است که شخصیت ما انسان‌ها در یک شب یا در یک روز شکل نمی‌گیرد. بنابراین شخصیت فرد بزهکار یا فرد نیک نام یک شبه تکوین نیافته است، بلکه رفتارهای دوران کودکی، نوجوانی و جوانی است که به شخصیت یک فرد بزرگسال شکل می‌دهد.

نکته دیگری که باید به آن اشاره شود این است که در برخورد با مسائل انضباطی باید دو موضوع مورد توجه قرار گیرد: اول این که فرد آسیب نبیند و هر چه انجام می‌پذیرد به نفع فرد و با توجه کامل به عزت نفس و انسانیت او باشد و منجر به ایجاد انگیزش برای حفظ مقررات در فرد گردد. دوم این که اقدام انجام شده باید به نفع همه افراد جامعه باشد، یعنی باید تعادل حساسی بین سلامت گروه و فرد برقرار گردد (لفرانکوئیس، ۱۹۷۹، ترجمه شهنی بیلاق، ۱۳۷۰).

متأسفانه باید اشاره گردد که در میان مریبان

ایجاد عظمت برای انسان است و این که رعایت انضباط در کلاس درس نه تنها موجبات یادگیری بهتر را فراهم می‌آورد بلکه به رشد سالم شخصیت دانش‌آموز هم منجر می‌گردد. به عکس هرگونه بی‌انضباطی و عدم رعایت مقررات و انضباط سبب شرمندگی، احساس گناه و خسارت مادی و معنوی می‌شود.





می‌کند:

۱- قواعد مربوط به خانه و نیز مدرسه که از قبل طراحی و اعلام شده‌اند، باید با ثبات باشند و به شیوه ثابتی به اجرای آن‌ها تأکید شود. این قوانین جز در موارد استثنایی، نباید نقض شوند. به فرض اگر به کودک گفته شد شما بایستی ساعت نه شب به رختخواب بروی و بخوابی، نباید هر روز این ساعت را تغییر دهیم.

۲- والدین و معلمان باید بدانند که بدله‌گویی گاهی اثربخش است و اغلب می‌توان با شوخی کردن از برخوردی بالقوه قابل انفجار در کودکان جلوگیری به عمل آورد.

۳- از طعنه، تمسخر و شیوه‌های دیگر که به تحقیر در انظار عمومی منجر شود باید اجتناب کرد.

۴- والدین و مربیان باید سعی کنند علل زیربنایی بی‌انضباطی را کشف کنند و در رفع این علل کوشش نمایند.

توجه کم‌تری به روش‌های پیش‌گیری از وقایع ناشی از بی‌انضباطی معطوف می‌شود، بلکه تأکید و توجه بیش‌تر بر روی اقدامات اصلاحی صورت می‌گیرد. البته بسیاری از اقدامات اصلاحی هم به نتیجه نمی‌رسند. به بیان دیگر بهترین و مؤثرترین راه و شیوه جلوگیری از بی‌انضباطی اعمال شیوه‌های پیشگیرانه است.

راه‌های پیش‌گیری از بی‌انضباطی

اولین شرط برای ایجاد روحیه انضباط در کودکان و به وجود آوردن زندگی راحت‌تر برای والدین، فراهم آوردن محیطی مناسب برای تخلیه انرژی نهفته در بدن کودک است که این مورد معمولاً توسط والدین و مربیان نادیده گرفته می‌شود.

ویسטר (۱۹۶۸) به منظور ایجاد نظم غیراستبدادی شیوه‌هایی را به شرح زیر توصیف

۵- انجام تکالیف و کارهای اضافی را نباید به عنوان شیوه تربیتی به کاربرد.

۶- مربیان با ارائه توضیحات کافی باید مطمئن شوند که همه کودکان قوانین و مقررات وضع شده و دلایل وجودی این مقررات را می‌شناسند. از دیگر راه‌های پیش‌گیری از بی‌انضباطی می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

۱- تنبیه باید متناسب با جرم باشد. مثلاً برای تخلف‌های جزئی نباید تنبیه‌های سخت به کار گرفت.

۲- باید بین مقررات وضع شده در محیط خانه و مدرسه هم‌آهنگی لازم وجود داشته باشد و این مقررات نباید همدیگر را نقض کنند.

۳- باید عواملی را که سبب خستگی و دلزدگی کودکان می‌گردند از محیط زندگی کودک حذف کرد.

۴- معلمان در کلاس باید از شیوه‌های تدریس مؤثرتر استفاده نمایند، به صورتی که کلاس حالت یک نواخت نداشته باشد.

۵- والدین و مربیان باید خود نیز الگوی مناسبی در رعایت نظم و انضباط باشند.

۶- وقتی والدین یا معلمان اشتباه می‌کنند باید به شکلی خاص عذر خواهی کنند.

۷- باید راجع به بی‌انضباطی کودک به طور

خصوصی با او صحبت کرد.

۸- معلمان باید هر چه زودتر نام دانش‌آموزان را بیاموزند. شاید بهتر این باشد که آن‌ها تا آن جا که می‌توانند اطلاعاتی نیز درباره فرد دانش‌آموزان به دست آورند. آگاهی‌های لازم را می‌توان از طریق گفت‌وگو با معلمان دیگر، استفاده از بایگانی‌ها، شرکت در فعالیت‌های خارج از برنامه تحصیلی و از والدین و دیگران به دست آورد (مارلند، ۱۹۷۵).

۹- پژوهش‌هایی که در حوزه روان‌شناسی انجام گرفته‌اند به طور واضح نشان می‌دهند که تشویق و یا تنبیهی که وابسته به رفتار نباشد یا آشکارا با رفتار خاصی مناسبت نداشته باشد تأثیر کم‌تری دارد. از این روست که کودکان نباید با عبارات کلی چون: "با ادب باش" یا "خوب باش" نصیحت شوند. در عوض آن‌ها باید هدایت شوند که به رفتار مشخصی بپردازند و دلیل انجام آن رفتار نیز باید ذکر شود. مثلاً، به جای گفتن: "محمد با ادب باش"، آموزگار می‌تواند بگوید: "محمد لطفاً هفت تیر آبی خود را کنار بگذارید، زیرا کلاس را بر هم می‌زنید." البته قاعده‌ای که مخالف بر هم زدن کلاس است باید قبلاً تبیین و توجیه شده و کیفر نقض مکرر آن قاعده باید روشن شده باشد (مارلند، ۱۹۷۵).

منابع:

- مقدم، بدری: کاربرد روان‌شناسی در آموزشگاه، انتشارات سروش، چاپ سوم، تهران

۱۳۶۴.

- گوردون، توماس: خودانضباطی کودک و نوجوان در خانه و مدرسه، ترجمه احمد زندی، انتشارات بعثت، چاپ اول، تهران ۱۳۷۷.

- لفرانکوئیس، گای آر: روان‌شناسی برای آموزش، ترجمه منیجه شهینی بیلاق، انتشارات رشد، چاپ اول، تهران ۱۳۷۰.